



بررسی تأثیر مسئولیت پذیری بر رفتارهای محیط زیستی با میانجی گری رسانه‌ها (نمونه موردی: شهر اهواز)

اصغر میرفردی^{۱*}، آرمان حیدری^۲، طیبه دمساز^۳

۱. دانشیار جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز

۲. استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه یاسوج

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه یاسوج

دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۲۲ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۳/۰۷

Study the effect of responsibility on the environmental behavior by media mediating (Case study: Ahvaz)

A. Mirfardi^{1*}, A. Haydari², T. Damsaz³

1. Associate Professor of Sociology, Shiraz University

2. Assistant Professor of Sociology, Yasouj University

3. M.A. Student in Social science, Yasouj University

Received: 2017/02/11

Accepted: 2017/05/28

Abstract

The problem of environmental pollution in the world today, is not only a problem of a country or a specific territory, but also the belongs to the whole world which contains a variety of problems such as water and air pollution, ozone depletion, deforestation, destruction of plant species and animals. Wisch all of them are the results of human's performance and behavior on environment. This paper aimed to examine the impact of responsibility on the environmental behavior by mediating the use of media. The research method in this study was a survey using multistage stratified sample of 400 people in Ahvaz. The results showed that environmental behavior in Ahvaz on average. As well as between the independent variables and the dependent variable media accountability and the use of environmental behavior, there is a positive and significant relationship. Path analysis results showed that responsibility by acting through the media, affect the environmental behavior. And the age, gender and marital status and environmental behavior relationship and the differences were not significant. Finally, all variables were able to 17/1 of the factors influencing environmental behavior, explain residents of Ahvaz.

Keywords: Environmental behavior, Responsibility, The use of the media.

چکیده

مشکل آلودگی محیط زیست امروز جهان، مشکل تنها یک کشور و یا یک قلمرو خاص نیست، بلکه مشکل کل جهان است که دربردارنده مسائل مختلفی مانند آلودگی آب و هوا، فرسایش لایه اوزون، تخریب جنگل‌ها، انهدام گونه‌های گیاهی و جانوری و غیره. همه این موارد، نتیجه عملکرد انسان است که تحت تأثیر رفتارهای محیط زیستی انسان روی می‌دهد. این پژوهش با هدف شناسایی تأثیر مسئولیت‌پذیری بر رفتارهای محیط زیستی با میانجی‌گری رسانه‌ها انجام شده است. روش تحقیق در این مطالعه، پیمایشی بوده که با استفاده از نمونه‌گیری طبقه‌بندی چندمرحله‌ای، ۴۰۰ نفر از ساکنین شهر اهواز به عنوان نمونه جهت بررسی انتخاب شدند. نتایج تحقیق نشان داد که رفتارهای محیط زیستی در شهر اهواز در حد متوسط است. همچنین بین متغیرهای مستقل مسئولیت‌پذیری و میزان استفاده از رسانه‌ها و متغیر وابسته رفتارهای محیط زیستی رابطه‌ای معنادار و مثبت وجود دارد. نتایج تحلیل مسیر نشان داد که مسئولیت‌پذیری با اثر میانجی‌گری رسانه‌ها، بر رفتارهای محیط‌زیستی تأثیر می‌گذارد و بین متغیرهای سن، جنسیت و وضعیت تأهل و رفتارهای محیط زیستی رابطه و تفاوت معناداری مشاهده نگردید. در نهایت، مجموع متغیرهای پژوهش توانستند ۱۷/۱ درصد از عوامل تأثیرگذار بر رفتارهای محیط زیستی ساکنان شهر اهواز را تبیین کنند.

کلیدواژه‌ها: رفتارهای محیط زیستی، مسئولیت‌پذیری، میزان استفاده از رسانه‌ها.

مقدمه

توجه به مسائل زیست‌محیطی در سطح جهان پس از تشدید فعالیت‌های آلوده‌کننده در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ یعنی حدود ۴۸ سال قبل آغاز گردید. در سال ۱۹۶۸ میلادی مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصمیم به برگزاری کنفرانس بین‌المللی محیط‌زیست گرفت و در نتیجه اولین کنفرانس جهانی در ژوئن ۱۹۷۲ در استکهلم برگزار شد. حاصل کار کنفرانس، بیانیه محیط‌زیست انسانی و برنامه عمل شامل ۱۰۶ توصیه‌نامه بود که وابستگی انسان به محیط‌زیست و شکل‌دهندگی آن را بیان نموده و استفاده منطقی از منابع، کاهش آلودگی‌ها، آموزش همگانی محیط‌زیست، تحقیقات زیست‌محیطی و ایجاد سازمان‌های بین‌المللی زیست‌محیطی را به کشورها توصیه نمود. ایجاد برنامه محیط‌زیست ملل متحد و نام‌گذاری ۵ ژوئن هر سال به عنوان روز جهانی محیط‌زیست از دیگر دستاوردهای کنفرانس می‌باشد (Maknon, 1995). در واکنش به بحران زیست-محیطی حاکم بر کره زمین، اندیشه‌ها و جنبش‌هایی پدید آمدند که از جمله این نظریات، نظریه‌گیدنز حول محور پیامدهای مدرنیته و نظریه جامعه مخاطره‌آمیز اولریش بک است. بک مفهوم جامعه مخاطره‌آمیز را برای بازتاب تغییرات اجتماعی اساسی ارائه داد که مشکلات زیست‌محیطی را به زندگی سیاسی و اجتماعی آورده است (Turner, 2006).

بخش زیادی از آلودگی‌های زیست‌محیطی ناشی از رفتارهای افراد است، زیرا نوع برخورد افراد با محیط‌زیست می‌تواند پیامدهای زیست‌محیطی متفاوتی داشته باشد. در این خصوص می‌توان از دو گونه رفتار زیست‌محیطی مسئولانه و یا غیرمسئولانه نام برد. در هر جامعه‌ای افراد برخورد به نسبت مشخصی در مورد محیط‌زیست از خود نشان می‌دهند که ممکن است این برخورد کاملاً مسئولانه یا کاملاً غیرمسئولانه یا رفتاری بینابین این دو باشد (Agheeli, 2008).

در قرن حاضر، رفتارهای زیست‌محیطی^۱ انسان، به عنوان یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین عوامل بر محیط‌زیست، موردتوجه بسیاری از جامعه‌شناسان محیط‌زیستی قرار گرفته است. رفتارهای زیست‌محیطی ضمن اینکه بر بیشتر مسائل و تهدیدات زیست‌محیطی تأثیر می‌گذارند خود نیز از عواملی تأثیر می‌پذیرند (Salehi et al., 2012). محققان زیست‌محیطی از جمله ذکاوت (Zwkvat, 1997)، دانلاپ و ون‌لیر (Dunlap & Vanlir, 1978)، دانلاپ و همکاران

(Dunlap et al., 2000)، باتل (Buttel, 1979)، شان و همکاران (Schahn et al., 1990)، استرن و همکاران (Fiallo et al., 1993)، فیال و همکاران (Stern et al., 1993)، گرافتون و همکاران (Grafton et al., 2003)، پری زنگنه و لاکان (Parizanganeh & Lakhan, 2005) و آیودجی (Auodje, 2010)، به مطالعه عوامل تأثیرگذار بر رفتارهای زیست‌محیطی نظیر متغیرهای جمعیت شناختی (سن، جنس، طبقه اجتماعی، محل سکونت، وضعیت تأهل، تعداد فرزندان و سن فرزندان)، گرایش سیاسی، ایدئولوژی سیاسی، عملکرد زیست‌محیطی ملت‌ها، آگاهی زیست‌محیطی و عقیده دینی، پرداخته‌اند (Salehi & Emamgholi, 2012).

اکنون مسائل زیست‌محیطی به قدری دامنه پیدا کرده‌اند که قلمرو آنها دیگر به مسائل فنی ختم نمی‌شود. امروزه عمیقاً دارای مفهوم اجتماعی‌اند و در کل مسائل زیست‌محیطی ریشه فرهنگی دارند و به منظور پذیرش بافت‌های فرهنگی یک جامعه بایستی به صورت ساختاری با موضوع برخورد نمود. حفظ محیط‌زیست به مسائل زیادی ارتباط دارد که بزرگ‌ترین و مهم‌ترین آن مسأله فرهنگی-اجتماعی است. رفتار شهروندان در برخورد با محیط‌زیست پیرامونشان عامل مهمی در کاهش مخاطرات زیست‌محیطی است. اساسی‌ترین وظیفه انسان امروزی در قبال همه داشته‌های طبیعی و ساخته‌های دست انسان، «مسئولیت‌پذیری» اوست. با کمی دقت می‌بینیم تا وقتی که انسان از طبیعت می‌ترسید و تا زمانی که طبیعت توانسته بود قدرت و اقتدار خود را حفظ کند، همه چیز روال معمول خود را طبق قانون طبیعت داشت. حتی قانون جنگل و طبیعت هم زیبا بود، چراکه چرخه‌ای بود منظم که در آن هر از بین رفتنی، تولدی دوباره داشت، اما انسان با ورود خود به مدد هوش و استعدادش، نظم طبیعت و حرکت چرخه‌ای آن را بر هم زد (Eslamzadeh, 2003).

رسانه‌های جمعی امروزه به عنوان پدیده‌ای فراگیر و با کاربری عمومی در زمینه‌های گوناگون زندگی انسانی ورود پیدا نموده‌اند. مصرف رسانه‌های جمعی امروزه به عنوان بخش‌گریزناپذیری از زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها است. در زمینه رفتارهای زیست‌محیطی به عنوان رفتار اجتماعی که بر سایر بخش‌های زندگی انسانی نیز اثرگذار است، رسانه‌ها می‌توانند اثر داشته باشند. ارزیابی میزان این تأثیر نیازمند پژوهش علمی است.

مسائل زیست‌محیطی منحصر به یک جامعه یا مکان جغرافیایی خاص نیستند، بلکه ابعاد فراملیتی دارند. در نتیجه این

1. Environmental behavior

تحقیق نمی‌گنجد، از این رو هدف تحقیق حاضر، شناسایی تأثیر متغیرهای ذیل است:

الف) شناسایی تأثیر مسئولیت‌پذیری بر رفتارهای محیط‌زیستی در شهر اهواز.

ب) شناسایی تأثیر میزان استفاده از رسانه‌ها بر رفتارهای محیط‌زیستی در شهر اهواز.

ج) شناسایی تأثیر مسئولیت‌پذیری بر رفتارهای محیط‌زیستی با میانجی‌گری میزان استفاده از رسانه‌ها.

د) شناسایی تفاوت جنسیتی در رفتارهای محیط‌زیستی در شهر اهواز.

ه) شناسایی رابطه سن با رفتارهای محیط‌زیستی در شهر اهواز.

و) شناسایی تفاوت در رفتارهای محیط‌زیستی با توجه به وضعیت تأهل در شهر اهواز.

بنابراین برای بررسی عوامل فوق، سوالات اساسی ذیل در تحقیق حاضر مطرح شده است:

۱) وضعیت رفتارهای محیط‌زیستی در شهر اهواز چگونه است؟

۲) چه رابطه‌ای میان مسئولیت‌پذیری و رفتارهای محیط‌زیستی وجود دارد؟

۳) چه رابطه‌ای میان میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و رفتارهای محیط‌زیستی وجود دارد؟

۴) مسئولیت‌پذیری با میانجی‌گری رسانه‌ها چه تأثیری بر رفتارهای محیط‌زیستی دارد؟

۵) چه تفاوت یا رابطه‌ای میان رفتارهای محیط‌زیستی و متغیرهای زمینه‌ای (سن، جنس، وضعیت تأهل) وجود دارد؟

۶) وضعیت مسئولیت‌پذیری در شهر اهواز چگونه است؟

۷) میزان استفاده از رسانه‌ها در شهر اهواز چگونه است؟

۸) در زمینه رفتارهای محیط‌زیستی پژوهش‌های داخلی و خارجی انجام شده‌اند که در ذیل برخی از پژوهش‌های صورت گرفته آورده شده است.

میرفردی (Mirfardi, 2016) تحقیقی با عنوان «بررسی رابطه‌ی پایگاه اقتصادی-اجتماعی و احساس مسئولیت اجتماعی با رفتار محیط‌زیستی (مورد مطالعه: ساکنان نورآباد ممسنی)» انجام دادند. روش این تحقیق پیمایش و با استفاده از تکنیک پرسشنامه بر روی ۴۰۰ نفر از افراد ساکن شهر نورآباد ممسنی انجام گرفته است. نتایج تحقیق نشان داد که رفتار زیست‌محیطی با احساس مسئولیت اجتماعی و نگرش زیست‌محیطی در سطح ۹۹ درصد و با متغیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی در سطح ۹۵ درصد رابطه‌ی مستقیم و معناداری دارد.

واقعیت برای انسان نمایان می‌شود که بروز مشکلات و معضلات در هر نقطه از زمین می‌تواند پیامدهای مختلفی در دیگر نقاط به همراه داشته باشد (Salehi & Emamgholi, 2012). شهرهای بزرگ ایران از جمله شهر اهواز با چالش‌های متعدد زیست‌محیطی مواجه است.

شهر اهواز مرکز استان خوزستان، وسیع‌ترین شهر استان می‌باشد. در سرشماری ۱۳۹۰ جمعیت این شهر به ۱۳۹۵۱۸۴ نفر افزایش یافت که از جمله پنج کلان‌شهر کشور به شمار آید (Iran Statistical Center, 2011). با بروز یکی از مشکلات مهم شهر اهواز و با شروع جنگ تحمیلی و اتمام پروژه‌های نفتی در شمال شرق خوزستان و همچنین ایجاد طرح‌های ملی و به ویژه نیشکر، اسکان غیررسمی شتاب بالایی گرفت و رشد و گسترش شهر اهواز سریع شد به طوری که در کل کشور، شهری به اندازه‌ی اهواز رشد شتابان برخوردار نبوده است و در حاشیه شهر هیچ‌گونه خدمات فضایی اجرانشده و این سکونتگاه‌ها فاقد سیستم دفع فاضلاب، بودند بنابراین مشکلات و آلودگی زیست‌محیطی دوچندان شد و وجود گنداب‌های ناشی از تجمع فاضلاب‌ها و جوی‌ها روباز، وضعیت بغرنجی را برای این سکونتگاه‌ها فراهم ساخته و موجب شیوع بیماری‌های انگلی، پوستی و عفونی شده است که عدم رعایت بهداشت فردی و عمومی موجب انتشار آن به سطح شهر می‌شود. وجود انواع فاضلاب‌ها و پساب‌های صنعتی، کشاورزی و خانگی در اطراف رودخانه کارون باعث آلودگی این رودخانه شده و از همه مهم‌تر یکی از بلایای طبیعی که استان خوزستان و به خصوص شهر اهواز را تحت تأثیر خود قرار داده پدیده نامطلوب گرد و غبار است که باعث شده این شهر از آلوده‌ترین شهرهای جهان باشد (Naderi et al., 2012).

توجه و بهره‌گیری از تجربه شهرهایی همچون مکزیکوسیتی که توانسته‌اند آلودگی هوای خود را طی یک دهه اخیر کنترل و کاهش دهند، می‌تواند کمکی در مدیریت آلودگی هوا در کشورمان به ویژه در شهرهایی چون اهواز کند و این نوید را می‌دهد که با پژوهش و مطالعه می‌توان آلودگی این شهر را کنترل کرد و ضرورت مطالعه و پژوهش در این مورد را الزامی جلوه می‌دهد. در ایران و مخصوصاً شهر اهواز با وجود مشکلات زیست‌محیطی فراوان نسبت به این امر کمتر توجه شده است و در زمینه رفتارهای زیست‌محیطی پژوهش‌های اندکی صورت گرفته است. لذا وجود مشکلات و مسائل زیست‌محیطی در شهر اهواز ضرورت پژوهش در این زمینه را فراهم کرده است. بدیهی است که عوامل متعددی می‌تواند بر یک رفتار خاص تأثیر بگذارد، اما آنجا که بررسی تمامی عوامل در چهارچوب یک

میرفردی و همکاران، بررسی تأثیر مسئولیت‌پذیری بر رفتارهای محیط زیستی با میانجی‌گری...

انتخاب‌شده‌اند. یافته‌های این تحقیق نشان داد که اولاً، افراد موردبررسی در نگرش زیست‌محیطی نمره بالایی کسب کرده‌اند؛ ثانیاً، جنسیت متغیر تأثیرگذاری بر روی نگرش زیست‌محیطی افراد نیست.

چنوانگ و همکاران (Chenyang et al., 2010)، پژوهشی با عنوان «تفاوت‌های جنسیتی در بروز رفتار زیست‌محیطی در چین» انجام داده‌اند. این تحقیق به بررسی تفاوت‌های جنسیتی و رفتارهای محیط‌زیست‌گرا و دانش زیست‌محیطی پرداخته است. این بررسی، رفتارهای زیست‌محیطی را به دو نوع عمومی و خصوصی یا خانواده‌گرا تقسیم کرده است. نمونه این تحقیق ۳۹ مطالعه تجربی در مورد تفاوت‌های جنسیتی است و نتایج نشان داد که ۱۲ رفتار هم عمومی و هم خصوصی بودند و ۱۷ مورد از رفتارها عمومی بودند و تنها در ۸ مورد موفق به پیدا کردن تفاوت جنسیتی در رفتارهای زیست‌محیطی شدند. نتایج این تحقیق نشان داد که زنان مشارکت بیشتری در مورد رفتارهای زیست‌محیطی داخل خانه مانند بازیافت زباله دارند، درحالی‌که در خارج از خانه رفتارهایی مانند کمک مالی به مؤسسات زیست‌محیطی الگوی متفاوت جنسیتی مشاهده نمی‌شود، یعنی بین مشارکت زنان و مردان تفاوتی دیده نمی‌شود. با این حال نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که زنان چینی سطوح پایین‌تری از نگرانی زیست‌محیطی را نسبت به مردان دارند. نتیجه مطالعه نظری در مورد رابطه بین جنسیت و نگرانی‌های زیست‌محیطی را این است که نقش فرایندهای اجتماعی و جنسیت را مهم می‌دانند. این دیدگاه معتقد است که زنان در دوران کودکی حساسیت بیشتری نسبت به احساسات و نیازهای دیگران دارند و در نتیجه تمایل بیشتری به مراقبت از محیط‌زیست دارند و در مقابل مردان در دوران کودکی به کنترل احساسات و تا حد زیادی احساس استقلال دارند. با این استدلال زنان به مراقبت از محیط‌زیست می‌پردازند و درگیر عنصر نوع‌دوستانه مراقبت از دیگران هستند.

ملگار و همکاران (Melgar et al., 2013) پژوهشی با عنوان «رفتار و نگرانی‌های زیست‌محیطی: آیا صفات شخصی مهم است؟» انجام داده‌اند. عملکرد افراد طرفدار محیط‌زیست متفاوت از نظرات طرفداران محیط‌زیست است، با توجه به اینکه یک رابطه دقیق بین عمل و نظر وجود ندارد. هدف این مقاله بررسی عوامل نگرشی تعیین‌کننده محیط‌زیست است. این پژوهش اطلاعات خود را از برنامه همایش بین‌المللی محیط‌زیست به دست آورده است که طی چندین سال جمع‌آوری شدند و شامل بیش از ۳۸۰۰۰ مشاهده از ۲۲ کشور توسعه‌یافته و درحال توسعه است. سؤالات پرسشنامه مربوط به ارتباط مشکلات

ادهمی و همکاران (Adhami et al., 2011) تحقیقی تحت عنوان «بررسی عوامل فرهنگی مؤثر بر حفظ محیط‌زیست شهر تهران مناطق ۵ و ۱۸ تهران» انجام داده‌اند که هدف این پژوهش شناخت میزان تأثیر عوامل فرهنگی بر حفظ محیط‌زیست و رفتارهای زیست‌محیطی بوده است. این پژوهش با استفاده از روش تحقیق پیمایش و تکنیک پرسشنامه بر روی ۴۰۰ نفر از افراد در دو منطقه ۵ و ۱۸ شهر تهران انجام گرفته است. نتایج این تحقیق نشان داد که متغیرهای احساس مسئولیت، اخلاق اجتماعی، آموزش و ارزش‌های سنتی و دینی بر حفظ محیط‌زیست و رفتارهای محیط‌زیستی مؤثر هستند و همچنین متغیر هنجارسازی بر حفظ محیط‌زیست تأثیری ندارد.

مختاری ملک‌آبادی و همکاران (Mokkhtari Malekabadi et al., 2013) تحقیقی با عنوان «تحلیل و بازنشاسی رفتارهای زیست‌محیطی شهری شهر اصفهان» انجام داده‌اند. رفتار شهروندان در برخورد با محیط‌زیست اطرافیان‌شان عامل مهمی در کاهش مخاطرات زیست‌محیطی در حیات شهری است. بدیهی است که عوامل متعددی می‌تواند بر رفتار خاص تأثیر بگذارد، لذا این تحقیق به سنجش تأثیر برخی متغیرها از جمله دانش زیست‌محیطی، نگرش زیست‌محیطی، ارتباط افراد با طبیعت، سن، جنسیت، وضعیت تأهل، موقعیت اجتماعی/ اقتصادی بر رفتار زیست‌محیطی شهروندان پرداخته است. این پژوهش به شیوه پیمایشی و با توزیع پرسشنامه بین ۴۰۰ نفر، به عنوان نمونه، در سال ۱۳۹۱ انجام شده است. افراد نمونه به شیوه سهمیه‌ای از جامعه آماری شهروندان بالای ۱۵ سال شهر اصفهان انتخاب شده‌اند. نتایج حاکی از آن است که رفتار زیست‌محیطی شهروندان اصفهانی نسبت به دهه قبل رفتارهایی مسئولانه‌تر شده است. ارتباط افراد با طبیعت مهم‌ترین عامل پیش‌بینی‌کننده رفتارهای زیست‌محیطی از بین دیگر عوامل مورد بررسی است. افراد مسن و زنان رفتارهایی مانند تفکیک زباله و استفاده از حمل‌ونقل دوستدار محیط‌زیست را بیشتر از مردان انجام می‌دهند. موقعیت اجتماعی/اقتصادی پیش‌بینی‌کننده استفاده افراد از حمل‌ونقل دوستدار محیط‌زیست و خرید زیست‌محیطی است که البته رابطه اول منفی است بدین گونه که افراد با موقعیت اجتماعی/ اقتصادی بالاتر کمتر از حمل‌ونقل دوستدار محیط‌زیست استفاده می‌کنند. صالحی و همکاران (Salehi et al., 2016) در تحقیقی با عنوان «بررسی نقش جنسیت در جهت‌گیری‌های زیست‌محیطی شهر ارومیه» به بررسی تأثیر جنسیت بر نگرش‌های زیست‌محیطی پرداختند. در این تحقیق از روش پیمایش استفاده شده است و با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای، نمونه‌ها از مناطق شهری ارومیه

به جامعه آماری محل پژوهش و ویژگی‌های جمعیت نمونه مربوط باشد.

پس از اعلام دهه ۱۹۷۰ به عنوان «دهه محیط‌زیست»، جامعه‌شناسان متوجه شدند که نظریه یا تحقیق باسابقه‌ای ندارند که آنها را در دستیابی به فهمی جدید و ویژه از روابط بین جامعه و محیط‌زیست راهنمایی کند. درست است که سه پیشگام اصلی نظریه کلاسیک جامعه‌شناسی (امیل دورکیم، کارل مارکس و ماکس وبر) جنبه‌هایی ضمنی از محیط‌زیست را در کارشان داشتند، اما این مسئله پس از آثار آنها کمتر مورد توجه جامعه‌شناسان قرار گرفت، زیرا مترجمان و مفسران آمریکایی آثار ایشان، بیشتر به تبیین‌های ساختاری و اجتماعی آنها علاقه‌مند بودند تا تبیین‌های فیزیکی و محیطی (Hannigan, 2006). دومین دلیل باز شدن پای جامعه‌شناسی به موضوعات محیط‌زیست، به جهان‌بینی خود جامعه‌شناسی بازمی‌گردد. از اواخر دهه ۱۹۷۰، ویلیام کاتن و رایلی دانلپ در سلسله مقالات و نوشته‌های خود، بیان می‌کنند که بیشتر جامعه‌شناسان مدعی‌اند جوامع انسانی از اصول و محدودیت‌های بوم شناختی حاکم بر دیگر گونه‌های طبیعی فارغ هستند (Catton & Dunlap, 1993).

تحقیقات انجام‌شده در این زمینه نشانگر نقش مهم رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی در رفتارهای محیط‌زیستی است. همچنین مسئولیت‌پذیری ارتباط مستقیم و معناداری با رفتارهای محیط‌زیستی داشته است. با توجه به اینکه متغیرها در شرایط و اجتماعات گوناگون ممکن است به گونه‌های متفاوتی نقش‌آفرین باشند، این پژوهش با بهره‌گیری از تجربیات مطالعات پیشین در پی ارزیابی تأثیر رسانه‌ها و مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر رفتارهای محیط‌زیستی بوده است. لازم به ذکر است رفتار محیط‌زیستی مفهومی جدید است. نظریه‌پردازان کلاسیک به صورت غیرمستقیم و تلویحی به این موضوع پرداختند بنابراین منحصراً نظریات معاصران مطرح می‌شود.

آنتونی گیدنز

گیدنز برخلاف جامعه‌شناسان کلاسیک، به موضوع‌های محیط‌زیستی و جایگاه طبیعت در نظریه اجتماعی خود توجه بیشتری نشان داده است. توجه او به محیط‌زیست در نظریه جهانی‌شدن خود را آشکار می‌کند. به بیان او در سنت‌های فکری که با جامعه‌شناسی آمیخته‌اند، مشغله‌های زیست بومی چندان جایی ندارند. صنعت‌گرایی، دنیایی ترسناک‌تر آفرید. به طوریکه دگرگونی زیست‌محیطی زبان‌آوری رخ می‌دهد که هیچ‌کس بر روی کره زمین از تأثیر آن برکنار نیست (Barry, 2002).

زیست‌محیطی برای افراد و نگرش در مورد محیط‌زیست است. این تحقیق به این نتیجه رسید که مجموعه‌ای از ویژگی‌های فرد تعیین‌کننده تمایل فرد به انجام اقدامات طرفدار محیط‌زیست است؛ زنان، ازدواج، آموزش عالی، اشتغال عمومی، سطوح بالایی از مذهب، داشتن یک ایدئولوژی حزب چپ، عضو اتحادیه صنفی که همه این موارد رابطه مثبتی با رفتارهای سازگار با محیط‌زیست دارند. همچنین افراد جوان‌تر تمایل به انجام اقدامات سازگار با محیط‌زیست نسبت به افراد مسن دارند.

اوکلای و همکاران (Oakley et al., 2014) پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی با واسطه کامپیوتر بر رفتارهای زیست‌محیطی مصرف‌فردی» در دانشگاه کارولینای انجام دادند. محققان معتقدند که فناوری اطلاعات می‌تواند بر رفتارهای زیست‌محیطی افراد، سازمان‌ها، محیط‌ها و بازارها تأثیر داشته باشد. کامپیوتر یکی از واسطه‌های شبکه‌های اجتماعی است و محیطی را ایجاد می‌کند که در آن رفتار فرد تقریباً نهفته است. پس از این محققان به تعامل رابطه انسان و کامپیوتر پرداختند. کامپیوتر هنجارهای اجتماعی مؤثر بر رفتارهای سازگار با محیط‌زیست را تشویق می‌کند. افراد نمونه این تحقیق ۲۳۴ پاسخ‌دهنده بودند که از فیس‌بوک استفاده می‌کردند و به روش قرعه‌کشی انتخاب شدند و اقدامات سازمان‌ها از طریق مجلات به دست آورده شدند. تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که شناخت و آگاهی بیشترین تأثیر را بر مسئولیت زیست‌محیطی دارد. همچنین نتایج این پژوهش نشان داد که تکنیک‌های بازاریابی سازمان‌های اجتماعی مانند قرار دادن پست در فیس بوک می‌توانند در مصرف فردی سازگار با محیط‌زیست تأثیر داشته باشد.

در مجموع بر اساس مطالعات پیشین می‌توان نتیجه گرفت از آنجایی که رسانه‌های جمعی امروزه همه مسائل روز را، به صورت لحظه به لحظه پوشش می‌دهند و مسائل محیط‌زیستی از جمله مشکلات روز است، بی‌شک رسانه‌ها در این زمینه می‌توانند تأثیراتی جدی بر مخاطبان بگذارند. در تحقیقات داخلی، تأثیر متغیر میزان استفاده از رسانه‌ها، کمتر مورد توجه است، در حالی که رسانه‌ها از جمله عوامل تأثیرگذار بر رفتارهای محیط‌زیستی هستند.

یکی دیگر از نقاط ضعف تحقیقات داخلی نبودن پرسشنامه‌ای استاندارد و باکیفیت در این زمینه است که این مسئله خود گاهی موجب نتایج متناقضی شده است. علت گستردگی این طیف نتایج، از یک طرف می‌تواند ناشی از تفاوت شاخص‌های به‌کاررفته جهت سنجش متغیر رفتار محیط‌زیستی، یا خوب عملیاتی نکردن مفهوم آن باشد. از طرف دیگر، می‌تواند

های گیدنز در این باره به فهم تخریب محیط‌زیست کمک می‌کند. ثالثاً، رویکرد تفهیمی - تفسیری گیدنز در نظریه اجتماعی و به دست دادن الگوهای علی متکثر برای بررسی فرایندهای اجتماعی، موجب شده که به موضوع نقش قدرت سیاسی و ایستارهای فرهنگی در تخریب محیط‌زیست نیز توجه شود؛ و دلیل آخر اینکه تبیین گیدنز از خاستگاه‌های جنبش‌های اجتماعی زیست‌محیطی در نظریه اجتماعی ما را متوجه اهمیت بررسی ویژگی‌های دوگانه قدرت فرهنگی و سیاسی می‌کند یعنی اینکه چگونه قدرت فرهنگی و سیاسی هم موجب تسهیل فرایند محیط‌زیست می‌شود و همان را کنترل می‌کند (Goldbalt, 1996: 90).

الریش بک^۱

الریش بک با انتشار کتاب جامعه مخاطره‌آمیز^۲، یک شبه راه صدساله را پیمود و فراتر از علوم اجتماعی شهرت زیادی پیدا کرد (Beck, 1992). انتشار این کتاب هم‌زمان با رویداد انفجار نیروگاه هسته‌ای چرنوبیل در شوروی شد و همین هم‌زمانی سبب استقبال گسترده و بازنگری سریع این اثر گردید که خود او به این موضوع معترف است (Ahmadi et al., 2015).

درواقع مؤثرترین کار برای احیای مدرنیسم در دوران اخیر، نظریه جامعه ریسک یا جامعه مخاطره‌آمیز الریش بک است. نظریه بک، انتقادی آشکار از مدرنیته و خطرهای همراه با آن است. با وجود این قضیه، او معتقد است که مدرنیته در نهایت می‌تواند مشکلاتی را که خود خلق کرده است، حل کند (Hannigan, 2006: 16). در واقع بک بیشتر از همه به علت توسعه مفهوم جامعه مخاطره‌آمیز شناخته می‌شود (Ritzer, 2005: 41). بک مفهوم جامعه مخاطره‌آمیز را برای بازتاب تغییرات اجتماعی اساسی ارائه داد که مشکلات محیطی را به زندگی سیاسی و اجتماعی آورده است. در جامعه مخاطره‌آمیز بک ادعا می‌کند که ما باید اثرات منفی و پیش‌بینی‌نشده و تلاش‌های گذشته برای کنترل بر طبیعت را مدیریت و کنترل کنیم (Turner, 2006). آنچه موجب تمایز بک از سایر نظریه‌پردازان اجتماعی مدرن می‌شود، این است که وی به امکانات بالقوه فاجعه‌آمیز و دهشتناک تخریب محیط‌زیست جهانی که محور مسائل زیست‌محیطی است،

مدرنیته در شکل یک تریلی، پویایی بسیار زیادی دارد. مدرنیته دنیای افسارگسیخته‌ای است که از نظر سرعت، دامنه و عمق دگرگونی بر نظام‌های قبلی پیشی گرفته است (Ritzer, 2011). گیدنز می‌افزاید که این گردونه خردکننده مسیر واحدی را دنبال نمی‌کند. گذشته از این، این گردونه خردکننده قطعه یکدستی نیست و به‌راستی از انواع قطعات متعارض و متناقض ساخته شده است. بدین ترتیب، گیدنز به ما می‌گوید که او در پی ارائه یک ابر نظریه از مد افتاده یا حتی یک ابر روایت ساده‌ی یک‌سویه نیست (Ibid:73).

به گفته گیدنز، مدرنیته یک فرهنگ مخاطره‌آمیز است. منظور این نیست که زندگی اجتماعی ذاتاً مخاطره‌آمیزتر از آن شرایطی است که می‌بایست باشد، لاقلاً برای بیشتر آدم‌ها این‌گونه نیست. مفهوم مخاطره بیشتر در ارتباط با نحوه سازمان‌دهی جهان اجتماعی، چه از سوی کنشگران عادی و چه از سوی متخصصان فنی، به مسئله‌ای بنیادی تبدیل می‌شود (Ritzer, 2011). مدرنیته احتمال کلی مخاطره را در برخی از حوزه‌ها و شیوه‌های معین زندگی کاهش می‌دهد، اما در عین حال شاخص‌های مخاطره آفرین جدیدی را مطرح می‌سازد که در اعصار پیشین عمدتاً و یا کاملاً ناشناخته بودند (Turner, 1994).

گیدنز سیاست‌های زیست‌محیطی را پیشرفت‌هایی می‌داند که به سمت اخلاقی شدن نظم اجتماعی، نهادها و روابط گرایش دارد و این نکته برای او بسیار ارزشمند است. او جنبش‌های محیط‌زیستی را کوششی می‌داند برای استقرار فردی بنیادهای اخلاقی و امنیت هنجاری در زندگی مردم. اخلاقیاتی که وی آنها را می‌پسندد آن، اصولی هستند که در دنیای امروزی و شهرنشینی از بین رفته‌اند. یکی از پدیده‌های نوسازی شهری، از دست رفتن حس زندگی در میان نظم طبیعی است و در محیط شهری، مردم را از واقعیات دنیای طبیعی و وابستگی جامعه به آن دور می‌کند (Barry, 2002: 124).

گیدنز برای تبیین خیزگاه و پیامدهای تخریب محیط‌زیست و شناخت توسعه و پویایی جوامع مدرن تلاش گسترده‌ای کرده است. در مورد انتخاب نظریه گیدنز باید چنین گفت: اولاً تبیین‌های او ناظر به بررسی تعامل میان سرمایه‌داری و منفعت‌گرایی است، و هر چند به صورت ناقص - این تبیین‌ها نقطه شروعی قوی برای تبیین خاستگاه‌های تخریب محیط‌زیست به شمار می‌آیند. ثانیاً، نظریه اجتماعی گیدنز توجه خاصی به بعد فضایی - مکانی فرایندهای اجتماعی و روش‌های جغرافیایی کرده و توانسته است ماهیت جامعه‌شناختی شهر گرایی و جهانی‌شدن و نسبت آنها را با مسائل زیست‌محیطی بررسی کند. در مجموع، دیدگاه -

1..Beck. U
2. Risk society thesis

پرداخته است (Goldbalt, 1996: 91).

جامعه مخاطره‌آمیز، جامعه‌ای است که در آن نگرانی افراد از آفات و بلایای طبیعی (قحطی و زلزله) به سمت مخاطرات ناشی از فعالیت‌های انسانی که اغلب شکل جهانی و عالم‌گیر دارند، متوجه شده است. به تعبیر بک، اگر قوه‌ی محرکه جامعه طبقاتی و صنعتی در شعار «گرسنامه»، خلاصه می‌شد که شعار جامعه جدید این است: «می-ترسم یا نگرانم». به‌طور خلاصه در جامعه طبقاتی سابق، مسئله داشتن سهمی از درآمدها و مزایای اجتماع و برابری یا نابرابری آن بود، اما ایده محوری و مرکزی کنونی، ایمنی است و هرکسی می‌کوشد تا از مخاطرات و ریسک‌ها ایمن بماند (Ghasemi, 2009).

به زعم بک، مشکل و تناقض اساسی در جامعه معاصر، خطرات عظیم و بلایای وخیمی است که محصول جامعه‌اند، اما جامعه به‌تنهایی قادر به رفع آنها نیست. بلایایی چون خطرات شیمیایی، هسته‌ای و تشعشعات رادیواکتیو، معضلات زیست‌محیطی و اکولوژیک و حتی معضلات پنهانی چون آلودگی مواد غذایی به محصولات شیمیایی و مواد گیاهی و گوشتی دست‌کاری شده، گوسه‌های موبایل، آلودگی هوا و مواد خطرناک موجود در جو زمین و آلودگی آب‌های آشامیدنی و زراعی و موارد دیگر، با آنکه به واسطه دخالت انسان و جامعه در طبیعت و ایجاد صنایع و فناوری به وجود آمده‌اند، اما هر جامعه‌ای به‌تنهایی قادر نیست همه یا حتی اکثریت آنها را برطرف کند. ریسک‌ها، حالت جهانی یافته‌اند و هیچ کشور یا ملتی از خطرات مذکور در امان نیست. به تعبیر اولریش بک، «حیات مشت‌چمن سرسبز در جنگل باواریا به عقد و اجرای موافقت‌نامه‌های بین‌المللی بستگی دارد» (Beck, 1998). نظریه جامعه مخاطره‌آمیز را می‌توان جامعه جهانی مخاطره خواند. اطلاع بشر و افراد جامعه از مخاطرات روزافزون شده و ما با بمباران اطلاعات راجع به مخاطرات مواجهیم. به صورت روزمره در اخبار و رسانه‌ها، خبرهایی دال بر زبان‌آور بودن ماده شیمیایی یا غذایی خاص و یا مخاطرات مکرر متوجه عموم ساکنان کره زمین شنیده می‌شود. با توجه به اینکه سطح سواد و رفاه در اغلب جوامع به حد بالایی رسیده است، نگرانی و اطلاع از ریسک‌های مزبور، صورت جدی‌تر و عمیق‌تری به خود می‌گیرد. از طرف دیگر، ریسک‌های جامعه جدید، متوجه قشر به خصوصی نیست و همگان از آن متأثر می‌شوند (Ibid).

گرچه مدرنیته پیشرفته، مخاطره‌هایی را می‌آفریند، اما همچنین یک نوع بازتابش‌گری را نیز به وجود می‌آورد که به آن امکان می‌دهد تا خود و مخاطره‌های خودساخته‌اش را زیر سؤال برد. درواقع، این خود قربانیان مخاطره هستند که غالباً آغاز به بازتابش‌گری درباره این مخاطره می‌کنند. آنها نخستین کسانی‌اند که به مشاهده و گردآوری داده‌هایی درباره مخاطرات و پیامدهای آنها برای انسان می‌پردازند. آنها به متخصصانی تبدیل می‌شوند که مدرنیته پیشرفته و مطمئن نیستند

که دانش‌پژوهان این کار را برای آنها انجام دهند. به‌راستی که بک به دانش‌پژوهان به خاطر نقششان در خلق و حفظ جامعه مخاطره‌آمیز، بسیار سخت می‌گیرد. «علم به پشتیبان آلودگی جهان انسان‌ها و طبیعت بدل گشته است. از این لحاظ، اغراق نیست اگر بگوییم که علوم با توجه به نحوه برخوردشان با مخاطرات در حوزه‌های مختلف، حیثیت تاریخی مبتنی بر عقلانیتشان را تا اطلاع ثانوی بر باد داده‌اند» (Beck, 1992:70).

درحالی‌که طبیعت و جامعه در جامعه صنعتی کلاسیک از هم جدا شده بودند، اما در جامعه صنعتی پیشرفته عمیقاً درهم تنیده شده‌اند. بدین معنا که هرگونه دگرگونی در جامعه غالباً بر محیط طبیعی تأثیر می‌گذارد و دگرگونی‌های طبیعی نیز متقابلاً بر جامعه اثر می‌گذارد. پس برابر با دیدگاه بک، امروزه «طبیعت، جامعه است و جامعه نیز طبیعت». بدین‌سان به‌طور دیالکتیکی، مدرنیته پیشرفته هم مخاطره‌های بی‌سابقه‌ای را به وجود آورده و هم تلاش‌های بی‌نظیری را برای برخورد با این مخاطرات موجب شده است (Ibid).

نظریات رسانه‌ها

بررسی تأثیر رسانه بر جنبه‌های متفاوت زندگی اجتماعی، همواره به عنوان موضوعی مهم در مطالعات رسانه‌ای مطرح بوده است. توانایی‌های ذاتی وسایل ارتباطی در جریان سازی‌های فرهنگی و سیاسی، تأثیر آنها بر شیوه‌های رفتاری و سلیقه‌های عمومی و جایگاه آنها به عنوان منبعی اصلی و مسلط برای ارائه تصاویر ذهنی از واقعیت‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی غیرقابل‌انکار است. این مسائل ضمن اینکه به عنوان واسطه‌ای در روابط اجتماعی نقش خود را ایفا می‌نمایند، قادرند در سطحی وسیع‌تر و مدت زمانی طولانی‌تر با مردم ارتباط برقرار کرده، تأثیر اولیه مدرسه، خانواده، مذهب و امثال آن را بر افراد تحت شعاع قرار دهند (Mehrddad, 2001). در زمینه تأثیر رسانه‌ها، نظریات مختلفی ایراد شده است که از جمله آنها نظریه کاشت، گلوله‌ای، ماریپیچ سکوت و برجسته‌سازی است که به‌تفصیل در مورد نظریه برجسته‌سازی در ذیل بدان پرداخته می‌شود.

نظریه برجسته‌سازی^۱

برجسته‌سازی به معنی اولویت‌گذاری بر برنامه‌ای خاص اطلاق می‌شود؛ اما اصطلاحاً می‌توان گفت: «برجسته‌سازی یعنی این اندیشه که رسانه‌های خبری با ارائه خبرها، موضوع‌هایی را که مردم درباره آنها می‌اندیشند، تعیین می‌کنند.» (Shakeri, 2005: 25). و نیز گفته شده: «ممکن است در اغلب اوقات،

1. Agenda Setting

سطوح دارد. مطالعات متعددی مفهوم شهروند زیست‌محیطی را بررسی کردند، فورمن و اردور نشان دادند که یک شهروند خوب وظایفی از قبیل بازیافت، صرفه‌جویی در مصرف آب و استفاده از بنزین بدون سرب به نفع جامعه خود به انجام می‌رسانند. یک محیط‌گرا انتظار حمایت از مشارکت‌های زیست‌محیطی سازمان‌ها در اقداماتش را دارد و باید دانش و مهارت لازم را در استفاده از استراتژی‌های اقدام زیست‌محیطی و مفاهیم اکولوژیکی دارا باشد (Furman & Erdur, 1999: 183).

شهروند زیست‌محیطی نسبت به ارزش‌های زیست‌محیطی و اکولوژیکی احساس تعهد می‌کند. چنین شهروندی امکان ندارد اقدامی به ضرر محیط‌زیست خود انجام دهد. این شهروند به اندازه کافی نسبت به مشکلات زیست‌محیطی و اینکه چگونه اقدام کند، آگاهی دارد. این نشان می‌دهد که رابطه‌ای میان دانش و اقدامات زیست-محیطی وجود دارد (Arcury, 1990). از طرفی، رابطه نزدیکی میان شهروند زیست‌محیطی و مفاهیمی همچون نگرش‌ها و رفتارهای زیست‌محیطی وجود دارد. بنابراین، وجود دانش در مورد محیط‌زیست و مشکلات آن باعث ایجاد آگاهی و نگرش‌هایی در این زمینه می‌گردد و انگیزه بیشتری برای اقدام نسبت به محیط‌زیست و حل مشکلات آن ایجاد می‌کند (Barker, 2010: 92).

بدین ترتیب برای تبیین رفتار محیط‌زیستی از نظریه‌گیدنز و نظریه جامعه مخاطره‌آمیز اولریش بک استفاده شده است. بر اساس نظریه‌ی گیدنز، صنعت‌گرایی دنیایی ترسناک آفریده است و هیچ‌کس از تحولات محیط‌زیستی حاصل از صنعت‌گرایی در امان نیست. گیدنز جهان مدرنیته رادیکال را گردونه خردکننده‌ای می‌داند که به لوکوموتیو افسارگسیخته و پر قدرتی می‌ماند و هر لحظه ممکن است کنترلش از دست خارج شود و واژگون گردد و البته انسان‌ها نمی‌توانند مسیرش را پیش‌بینی کنند. هرچند این گردونه کاملاً ناخوشایند نیست اما ما نمی‌توانیم مسیرش را به‌طور کامل کنترل کنیم و تا زمانی که این گردونه در حال حرکت است، احساس امنیت نخواهیم کرد، زیرا مسیر حرکت آن مملو از مخاطرات فاجعه‌آمیز است. بنابراین بر اساس نظریه‌ی گیدنز می‌توان گفت همان‌طور که صنعت‌گرایی تحولات بسیاری را موجب شده است، رفتارهای انسان‌ها هم از تحولات صنعت‌گرایی مستثنا نیست، یعنی صنعت‌گرایی بر مجموعه رفتارهای ما آدمیان تأثیر گذاشته است. از جمله مجموعه رفتارهای انسان، رفتارهای زیست‌محیطی است که افراد در پاسخ به محیط‌زیست می‌دهند. رفتارهای زیست‌محیطی در حوزه مصرف انرژی و رفتارهای بهینه و استاندارد هستند یعنی

مطبوعات موفق نشوند به اشخاص بگویند چگونه فکر کنند اما با تأثیر فوق‌العاده‌ای که بر آنها دارند، می‌توانند بگویند به چه چیز باید فکر کنند» (Lazar, 2005). مفهوم کارکرد برجسته‌سازی رسانه‌های عمومی، یک مفهوم ارتباطی است که وجود رابطه‌ای قوی بین تأکید بر ارتباط جمعی و برجستگی این مباحث برای افراد در بین مخاطبان را تصریح می‌کند. این مفهوم در شرایط علت و معلولی بیان می‌شود: برجستگی بیشتر یک مبحث یا یک موضوع در رسانه‌های عمومی، باعث برجستگی همان مبحث یا موضوع در میان مردم می‌شود (Sarokhani, 2004). برجسته‌سازی بیانگر یکی از تأثیرات قدرتمند رسانه‌ها است و توانایی رسانه‌ها در این است که به ما بگویند چه مواردی مهم و قابل‌توجه هستند. از سال ۱۹۲۲ میلادی والتر لیپمن، ستون‌نویس روزنامه‌ها، نسبت به قدرت رسانه‌ها در ارائه و شکل‌دهی تصاویر ذهنی، به عموم هشدار داده بود (Mc Combs, 1972: 176).

بنابراین با استنباط از نظریه برجسته‌سازی می‌توان گفت رسانه‌ها می‌توانند با انتخاب مسائل محیط‌زیستی و برجسته کردن در نظر مخاطبان، در این زمینه اطلاع‌رسانی کرده و آنها را به انجام رفتارهای زیست‌محیطی ترغیب کنند. به این ترتیب که هر چه رسانه‌ها اخبار و مسائل محیط‌زیستی را بیشتر گزارش کنند و برنامه‌های بیشتری در این زمینه تولید کنند، در نتیجه مخاطبان اهمیت بیشتری برای انجام رفتارهای محیط‌زیستی قائل می‌شوند.

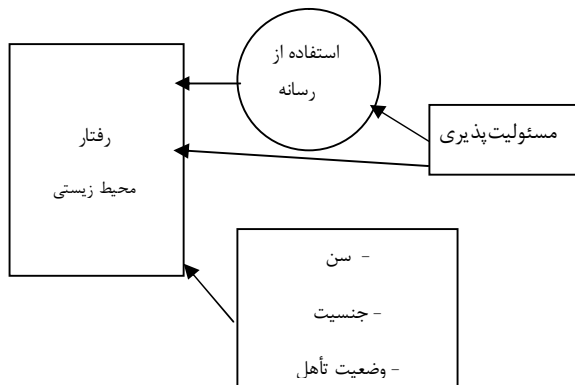
شهروند زیست‌محیطی

شهروند زیست‌محیطی^۱ به شهروندی گفته می‌شود که میان مسئولیت‌های وی در برابر محیط‌زیست و قوانین موجود، به دنبال ایجاد توازن باشد. اصطلاح شهروند زیست‌محیطی توسط هانگرفورد و ولک (Hungerford, & Volk 1990) توسعه یافت. آنان شهروند زیست‌محیطی را فردی می‌دانستند که:

۱. نسبت به محیط‌زیست و مشکلات آن آگاهی و حساسیت دارد؛
۲. درک روشنی از محیط‌زیست و مشکلات آن دارد؛
۳. احساس نگرانی نسبت به محیط‌زیست خود دارد و از انگیزه کافی برای مشارکت فعالانه در بهبود محیط‌زیست و حفاظت از آن برخوردار است؛
۴. از مهارت‌های لازم به منظور شناسایی و حل مشکلات زیست-محیطی برخوردار است و
۵. به منظور حل مشکلات زیست‌محیطی، مشارکت فعالی در تمامی

1. Environmental Citizen

حل مشکلات محیط‌زیستی برخوردار است. از این نظریه این فرضیه استخراج می‌شود که بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و رفتارهای محیط‌زیستی رابطه معناداری وجود دارد.



شکل ۱. مدل تحلیلی پژوهش

مسئولیت‌پذیری بر رفتارهای محیط‌زیستی در شهر اهواز تأثیر دارد.
 میزان استفاده از رسانه‌ها بر رفتارهای محیط‌زیستی در شهر اهواز تأثیر دارد.
 مسئولیت‌پذیری بر رفتارهای محیط‌زیستی با میانجی‌گری میزان استفاده از رسانه‌ها تأثیر دارد.
 رفتارهای محیط‌زیستی زنان و مردان در شهر اهواز تفاوت معناداری دارد.
 بین سن و رفتارهای محیط‌زیستی در شهر اهواز رابطه معناداری وجود دارد.
 رفتارهای محیط‌زیستی با توجه به وضعیت تأهل در شهر اهواز تفاوت معناداری دارد.

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق در این مطالعه پیمایشی است و جامعه آماری این پژوهش را کلیه شهروندان ۱۸ سال و بالاتر ساکن شهر اهواز تشکیل داده‌اند. مطابق داده‌های مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۰ جمعیت ۱۸ سال و بالاتر شهر اهواز ۹۶۱۹۶۹ نفر بوده‌اند. در این تحقیق، با استفاده از جدول حجم برآورد نمونه لین (Lin, 1976)، برای جامعه آماری این پژوهش که ۹۶۱۹۶۹ نفر بوده است، با سطح خطای ۵ درصد و سطح اطمینان ۹۵ درصد، حجم نمونه ۳۸۴ نفر محاسبه شد که جهت اطمینان بیشتر نتایج

تحولات ناشی از صنعت‌گرایی و جهان مدرنیته رادیکال افراد را به زیاده‌روی در مصرف انرژی و رفتارهای غیر بهینه و غیراستاندارد سوق می‌دهد.

اولریش بک همانند گیدنز به آسیب‌های مدرنیته توجه دارد و اذعان دارد مدرنیته مشکلاتی را که به وجود آورده، نهایتاً حل می‌کند. کانون اصلی نظریه جامعه مخاطره‌آمیز توجه به مخاطرات مدرنیته و از جمله مسائل زیست‌محیطی است. جامعه مخاطره‌آمیز جامعه‌ای است که، در آن افراد کمتر نگران بلایای طبیعی هستند و بیشتر بیم از فعالیت‌های انسان که عالم‌گیر شده است را دارند. در جامعه گذشته اگر افراد در پی کسب درآمد و مزایای اجتماعی بودند، اما در جامعه مخاطره‌آمیز به دنبال کسب محیطی امن و رهایی از مخاطرات هستند زیرا این مخاطرات مرزها را درنوردیده و به همه‌جا نفوذ کرده‌اند یعنی این مخاطرات محدودیت مکانی و زمانی ندارند. بنابراین بر اساس نظریه جامعه مخاطره‌آمیز بک همان‌طور که فعالیت‌های انسان موجب به وجود آمدن مخاطرات جهانی و فراملی شده‌اند و البته این فعالیت‌ها محصول رفتارهای انسان‌ها است، در جامعه‌ی مخاطره‌آمیز انسان‌ها با رفتارهای خود، در طبیعت و محیط‌زیست تصرف و دست‌کاری می‌کنند که نتیجه این رفتارها، ایجاد محیطی ناامنی برای همه انسان‌ها می‌باشد. بنابراین بر اساس نظریه گیدنز و اولریش بک می‌توان گفت که رفتارهای محیط‌زیستی انسان‌ها محصول دنیای مدرنیته و شرایط تبعی آن است. بر اساس نظریه برجسته‌سازی مسائلی را که مردم درگیر آن هستند و درباره آن فکر می‌کنند و نگران آن هستند، توسط رسانه‌ها انتخاب می‌شود و پوشش رسانه‌ای می‌دهند؛ یعنی اگر جامعه درگیر مسائل محیط‌زیستی است، رسانه‌ها با انتخاب موضوعات زیست‌محیطی و برجسته کردن مسائل مربوط به محیط‌زیست بر ذهن مخاطبان تأثیر می‌گذارند و هرچه رسانه اهمیت بیشتری به یک مسأله بدهد، مخاطبان آن را جدی تلقی کرده و اهمیت بیشتری برای آن قائل می‌شوند. بنابراین از نظریه برجسته‌سازی این فرضیه استخراج می‌شود که بین میزان استفاده از رسانه‌ها و رفتارهای محیط‌زیستی رابطه معناداری وجود دارد.

اصطلاح شهروند زیست‌محیطی هانگرفورد به ارتباط منطقی فرهنگ شهروندی و محیط‌زیست اشاره می‌کند و در واقع شهروند محیط‌زیستی کسی است که در قبال محیط‌زیست خود احساس مسئولیت می‌پذیرد و برای محیط‌زیست ارزش قائل است و نسبت به مسائل محیط‌زیست آگاهی دارد و احساس نگرانی نسبت به محیط‌زیست دارد و برای حل مشکلات آن مشارکت فعالانه‌ای دارد. در این راستا از مهارت‌های لازم برای

میرفردی و همکاران، بررسی تأثیر مسئولیت‌پذیری بر رفتارهای محیط زیستی با میانجی‌گری...

است: اصلاً استفاده نمی‌کنم (کد ۱)، کمتر از یک ساعت (کد ۲)، یک تا سه ساعت (کد ۳) و بیش از سه ساعت (کد ۴). آلفای کرونباخ گویه‌های سنجش مصرف رسانه‌ای ۰/۷۰ است.

جنس: برای سنجش متغیر جنس، از یک سؤال بسته با سطح سنجش اسمی استفاده شده است، به این صورت که از پاسخگو خواسته شد تا جنسیت خود را از بین دو گزینه زن (کد ۱) یا مرد (کد ۲)، مشخص نماید.

سن: برای سنجش متغیر سن، از یک سؤال با سطح سنجش فاصله‌ای استفاده شده است، به این صورت که از پاسخگو خواسته شد تا سن خود را بنویسد.

وضعیت تأهل: برای سنجش این متغیر، از یک سؤال بسته با سطح سنجش اسمی استفاده شده است، به این صورت که از پاسخگو خواسته شد تا وضعیت تأهل خود را از بین دو گزینه متأهل (کد ۱) یا مجرد (کد ۲)، علامت بزند.

یافته‌های پژوهش

الف - یافته‌های توصیفی

بر اساس جدول ۱، از میان پاسخگویان ۱۸/۳ درصد (۷۳ نفر) در رده سنی ۱۸-۲۴ سالگی، ۳۸/۵ درصد (۱۵۴ نفر) در رده سنی ۲۵-۳۱ سالگی، ۲۲/۳ درصد (۸۹ نفر) در رده سنی ۳۲-۳۸ سالگی، ۱۱/۳ درصد (۴۵ نفر) در رده سنی ۳۹-۴۵ سالگی، ۴/۸ درصد (۱۹ نفر) در رده سنی ۴۶-۵۲ سالگی، ۲/۸ درصد (۱۱ نفر) در رده سنی ۵۳-۵۹ سالگی و در نهایت ۲/۳ درصد (۹ نفر) در رده سنی ۶۰-۶۶ سالگی قرار داشتند. میانگین سنی پاسخگویان، ۳۲/۲۵ و بیشترین فراوانی برای سن ۲۷ سالگی است.

جدول ۱. توزیع فراوانی سن پاسخگویان

دامنه سنی	فراوانی	درصد	میانگین	بیشترین فراوانی	انحراف معیار
۱۸-۲۴	۷۳	۱۸/۳			
۲۵-۳۱	۱۲۴	۳۸/۵			
۳۲-۳۸	۸۹	۲۲/۳			
۳۹-۴۵	۴۵	۱۱/۳	۳۲/۲۵	۲۷	۹/۶۹
۴۶-۵۲	۱۹	۴/۸			
۵۳-۵۹	۱۱	۲/۸			
۶۰-۶۶	۹	۲/۳			
کل	۴۰۰	۱۰۰			

تحقیق، حجم نمونه به ۴۰۰ نفر افزایش یافت. شیوه نمونه‌گیری برای دسترسی به نمونه‌های مورد مطالعه با توجه به ناهمگنی جمعیت و مناطق شهر اهواز، نمونه‌گیری تصادفی از نوع طبقه‌ای - چند مرحله‌ای بوده است. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه جمع - آوری و با استفاده از نرم‌افزار آماری علوم اجتماعی (SPSS) پردازش و سپس با استفاده از آماره‌های مرتبط با متغیرها و فرضیه‌ها، در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. قبل از ارائه یافته‌ها و نتایج، هر یک از مفاهیم اصلی و مهم تحقیق به شرح زیر تعریف می‌گردد:

رفتارهای محیط‌زیستی: از لحاظ مفهومی، رفتار زیست‌محیطی به اعمال واضح و قابل مشاهده‌ای اشاره دارد که توسط فرد و در پاسخ به محیط‌زیست انجام می‌شود (Chin & Ivy, 1998: 190). از نظر عملیاتی رفتارهای محیط‌زیستی در قالب ۲۰ گویه با مقیاس ۵ گزینه‌ای ارزیابی شده است، که روش کدگذاری آن به این صورت است: به گزینه «خیلی زیاد» نمره (۵)، «نسبتاً زیاد» نمره (۴)، «متوسط» نمره (۳)، «نسبتاً کم» نمره (۲) و به گزینه «خیلی کم» نمره (۱) داده شده است. آلفای کرونباخ گویه‌های سنجش رفتار زیست‌محیطی در این تحقیق، ۰/۷۷ است.

مسئولیت‌پذیری: مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر حس عاطفی ارتباط با دیگران در اجتماع (همدلی) دلالت داشته و مهم‌تر از آن نشانگر احساس مسئولیت‌پذیری در قبال دیگر افراد جامعه است. افرادی که خود را به لحاظ مدنی مسئول می‌دانند، خود را عضوی از ساخت اجتماعی بزرگ‌تر در نظر گرفته و بنابراین دست‌کم، مسائل اجتماعی را مسائل و مشکلات خود تلقی می‌کنند (Hironimus & Wallace, 2009: 48). برای سنجش متغیر مسئولیت‌پذیری، از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. بدین صورت که از فرد خواسته شده تا میزان مسئولیت خود را در برابر اعضای خانواده، مسئولیت در برابر مشکلات جامعه و امکانات محل زندگی خود و همچنین رفتارهای مطلوب شهروندی و ... بیان کند. این پرسشنامه در قالب ۹ گویه ۵ جوابی سنجیده شده است. روش کدگذاری آن نیز به این صورت است: خیلی کم (کد ۱)، نسبتاً کم (کد ۲)، متوسط (کد ۳)، نسبتاً زیاد (کد ۴)، خیلی زیاد (کد ۵). آلفای کرونباخ گویه‌های سنجش مسئولیت‌پذیری اجتماعی ۰/۷۲ است.

میزان استفاده از رسانه‌ها: رسانه در ساده‌ترین تعریف به تمامی ابزارهایی اطلاق می‌شود که می‌توانند پیام‌هایی را از درون خود عبور دهند و آن را از یک پیام‌دهنده به یک پیام‌گیرنده برسانند و بدین ترتیب سبب شکل‌گیری یک رفتار یا مانع از شکل‌گیری رفتاری دیگر شوند (Bahman, 2009: 107). این متغیر در قالب ۷ گویه ۴ جوابی سنجیده شده است. روش کدگذاری آن نیز به این صورت

پاسخگویان

از تعداد کل نمونه، ۲۰۰ نفر زن (۵۰ درصد) و ۲۰۰ نفر مرد (۵۰ درصد) بوده‌اند.

متغیر	وضعیت توصیفی			کل
	کم	متوسط	زیاد	
رفتار محیط‌زیستی فراوانی	۷۱	۲۸۴	۴۵	۴۰۰
درصد	۱۷/۳	۷۱/۱۵	۱۱/۵۵	۱۰۰
مسئولیت‌پذیری فراوانی	۱۲۰	۱۷۳	۱۰۷	۴۰۰
درصد	۱۷/۳	۷۱/۱۵	۱۱/۵۵	۱۰۰

جدول ۲. توزیع فراوانی جنس و وضعیت تأهل پاسخگویان

جنس	فراوانی	درصد	وضعیت تأهل	فراوانی	درصد
زن	۲۰۰	۵۰	مجرد	۲۲۵	۵۶/۳
مرد	۲۰۰	۵۰	متأهل	۱۷۵	۴۳/۷
کل	۴۰۰	۱۰۰	کل	۴۰۰	۱۰۰

وضعیت توصیفی رفتارهای محیط‌زیستی

داده‌های جدول شماره ۳ بیانگر توزیع درصدی و فراوانی وضعیت رفتار محیط‌زیستی پاسخگویان است. لازم به ذکر است که توزیع درصدی و فراوانی پاسخگویان در مقوله‌های کم، متوسط و زیاد، بر مبنای فرمول میانگین به اضافه و منهای انحراف معیار صورت گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که در کل، وضعیت رفتارهای محیط‌زیستی پاسخگویان در سطحی متوسط و رو به پایین قرار دارند. در واقع سطح متوسط رفتار محیط‌زیستی، بیشترین حجم پاسخگویان را در خود قرار داده است. حجم پاسخگویان قرارگرفته در سطح بالا نیز از سطح پایین کمتر است، بنابراین می‌توان گفت که رفتار زیست‌محیطی پاسخگویان در سطح مطلوبی نیست. میزان مسئولیت‌پذیری پاسخگویان در سطح متوسط و رو به پایین بوده است. با توجه به جدول ۴، میزان استفاده پاسخگویان از رسانه‌ها در سطح متوسط و رو به پایین قرار دارند.

ب- یافته‌های استنباطی

نتایج تحقیق نشان داد که رابطه مسئولیت‌پذیری و رفتارهای محیط‌زیستی، معنادار و در جهت مستقیم و مثبت و با شدت متوسطی است. با توجه به مقدار ضریب همبستگی و سطح معنی‌داری بین میزان استفاده از رسانه‌ها و رفتارهای محیط‌زیستی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین نتایج این آزمون، نشان داد که رابطه معناداری بین سن و رفتارهای محیط‌زیستی وجود ندارد.

جدول ۵. نتایج همبستگی پیرسون متغیرهای مستقل و رفتارهای زیست‌محیطی

نام متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی‌داری
مسئولیت‌پذیری	۰/۳۹۶**	۰/۰۰۰
میزان استفاده از رسانه‌ها	۰/۱۲۸**	۰/۰۱۱
سن	۰/۰۶۸	۰/۱۷۷

** در سطح ۹۹ درصد معنادار است / * در سطح ۹۵ درصد معنادار است.

نتایج آزمون نشان داد که رفتارهای محیط‌زیستی در بین افراد متأهل و افراد مجرد یکسان بوده و تفاوت معناداری بین آنها مشاهده نمی‌شود.

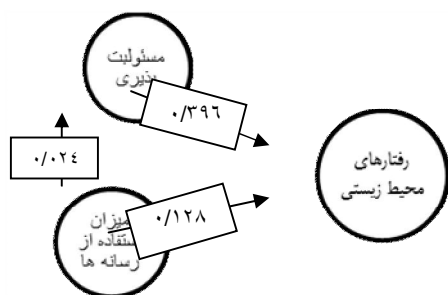
جدول ۳. توزیع فراوانی میزان استفاده از رسانه‌ها

رسانه	اصلاً استفاده نمی‌کنم	وضعیت توصیفی		
		کمتر از یک ساعت	یک تا سه ساعت	بیش از سه ساعت
روزنامه و مجلات	۳۱/۸	۵۳	۱۲	۳/۳
کتاب	۲۳/۳	۵۱/۵	۲۱/۸	۳/۵
رادیو	۴۸/۵	۳۷/۸	۱۱/۳	۲/۵
تلویزیون	۶/۸	۱۹/۵	۳۷/۵	۳۶/۳
اینترنت	۱۰	۲۰	۲۹/۵	۴۰/۵
ماهواره	۳۴/۵	۲۴/۵	۲۲/۵	۱۸/۵
شبکه‌های اجتماعی	۱۷	۲۰	۲۷	۳۶

جدول ۴. توزیع فراوانی وضعیت رفتار محیط‌زیستی و مسئولیت‌پذیری

میرفردی و همکاران، بررسی تأثیر مسئولیت‌پذیری بر رفتارهای محیط زیستی با میانجی‌گری...

رگرسیون مسیره‌ها نشان می‌دهد.



شکل ۲. نمودار تحلیل مسیر

شکل ۱ نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل تحقیق از طریق تحلیل مسیر چه تأثیری بر متغیر وابسته رفتارهای محیط‌زیستی دارند. بر حسب این مدل، متغیر مسئولیت‌پذیری به‌طور مستقیم با بتای ۰/۳۹۶ بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته تحقیق دارد. متغیر میزان استفاده از رسانه‌ها به‌طور مستقیم به میزان بتای ۰/۰۲۴ و به‌طور غیرمستقیم با مقدار بتای ۰/۱۲۸ و درنهایت با مجموع ۰/۱۵۲ بر متغیر رفتارهای محیط‌زیستی تأثیر دارد.

جدول ۸. اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر رفتار زیست-

محیطی			متغیرها
اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	
ندارد	۰/۳۹۶	۰/۳۹۶	مسئولیت‌پذیری
۰/۱۲۸	۰/۰۲۴	۰/۱۵۲	میزان استفاده از رسانه‌ها

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این تحقیق بررسی تأثیر مسئولیت‌پذیری بر رفتارهای محیط‌زیستی با میانجی‌گری میزان استفاده از رسانه‌ها بوده است. همان‌طور که ملاحظه شد، نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در کل، وضعیت رفتارهای محیط‌زیستی پاسخگویان در سطحی متوسط و رو به پایین است. با توجه به دیدگاه گیدنز و بک پیرامون مخاطرات و پیامدهای مدرنیته، می‌توان رفتار محیط‌زیستی را بازتاب شرایط و دگرگونی‌های مدرنیته‌ای دانست. با توجه به اینکه شهر اهواز از زمینه صنعتی وابسته به صنعت نفت برخوردار است و طی قرن گذشته این شهر در تماس با تحولات شهرنشینی و صنعت نفت بوده است، انتظار می‌رود که متناسب با درک این مخاطرات از سوی ساکنان آن، رفتار محیط‌زیستی آنان نیز متناسب با رویکردهای مدرن باشد. در حال گذار بودن شرایط جامعه ایرانی و شهر اهواز موجب شده است که رفتار محیط‌زیستی ساکنان این شهر در حد متوسط و پایین‌تر از آن قرار داشته باشد. بر اساس دیدگاه هانگرفورد و ولک، مسئولیت‌پذیری موجب می‌شود فرد نسبت به محیط‌زیست و مشکلات آن حساس باشد و برای حل مشکلات محیط‌زیستی فعالیت کند. یافته‌های پژوهش نشانگر

جدول ۶. نتایج آزمون تفاوت معناداری در رفتارهای زیست‌محیطی بر

اساس وضعیت تأهل و جنسیت پاسخگویان

متغیر مستقل	جنسیت	تفاوت	میزان استفاده از رسانه‌ها	مسئولیت‌پذیری	اثر مستقیم	مجموع
وضعیت تأهل	متاهل	۲۲۵	۶۸/۷۳	۹/۸۶	۱/۱۹۹	۰/۲۳۱
	مجرد	۱۷۴	۶۷/۵۷	۱۰/۸۱		
جنسیت	زن	۲۰۰	۶۷/۶۹	۱۰/۵۳		۰/۳۰۲
	مرد	۲۰۰	۶۸/۷۶	۱/۱۵		-۱/۰۳۴

برای ارزیابی تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته از رگرسیون چند متغیره به روش گام به گام استفاده می‌شود. بر این اساس در این مرحله، ۲ متغیر مسئولیت‌پذیری و میزان استفاده از رسانه‌ها، وارد معادله رگرسیونی شدند که هر دو متغیر به عنوان مهم‌ترین متغیرها باقی ماندند. نتایج تحقیق نشان داد که در مرحله اول، متغیری که بیشترین همبستگی تفکیکی را با رفتارهای محیط‌زیستی از خود نشان می‌دهد متغیر مسئولیت‌پذیری است. در واقع این متغیر به‌تنهایی قادر به توضیح ۰/۱۷۱ درصد از علت رفتار محیط‌زیستی افراد مورد مطالعه است. پس این متغیر مهم‌ترین متغیر اثرگذار در رفتار محیط‌زیستی به شمار می‌آید. مقدار بتا در این رابطه برابر با ۰/۳۹۶ است، به این معنی که با افزایش یک واحد به مسئولیت‌پذیری، به میزان ۰/۳۹۶ به رفتار محیط‌زیستی افراد افزوده می‌شود. در دومین مرحله، با وارد شدن متغیر میزان استفاده از رسانه‌ها در معادله رگرسیونی، مقدار R2 به ۰/۰۱۶ رسیده است. مقدار بتا بیانگر آن است که با افزایش یک واحد به میزان استفاده از رسانه‌ها، ۰/۱۲۸ به رفتار محیط‌زیستی افراد افزوده می‌شود.

جدول ۷. نتایج تحلیل رگرسیون متغیرهای تأثیرگذار بر رفتارهای زیست-

محیطی						
مرحله	متغیر	R	R2	sig	T	Beta
۱	مسئولیت‌پذیری	۰/۴۱۴	۰/۱۷۱	۰/۰۰۰	۸/۶۰۶	۰/۳۹۶
۲	میزان استفاده از رسانه‌ها	۰/۱۲۸	۰/۰۱۶	۰/۰۱۱	۲/۵۷۱	۰/۱۲۸

برای پی بردن به سازوکار اثر متغیرها بر یکدیگر، در این مرحله از تحلیل مسیر استفاده شده است. نمودار زیر مدل نهایی تحقیق را با توجه به تحلیل مسیر صورت گرفته بر مبنای تحلیل

نبودن رابطه این متغیرها با رفتارهای محیط‌زیستی نشانگر این است که رفتار زیست‌محیطی بیشتر از شرایط فرهنگی و اکتسابی تأثیر پذیرفته و شرایط زمینه‌ای همچون سن، وضعیت تأهل و جنسیت به‌تنهایی نمی‌توانند تبیین‌کننده تفاوت بین رفتارهای محیط‌زیستی شهروندان باشد. درنهایت نتایج تحلیل مسیر نشان داد که مسئولیت‌پذیری با اثر میانجی‌گری رسانه‌ها، بر رفتارهای محیط‌زیستی تأثیر می‌گذارد. درواقع می‌توان چنین استدلال نمود که رسانه‌ها با انعکاس مطالب و موضوعات مربوط به محیط‌زیست موجب افزایش آگاهی افراد شده و آنان با تأثیرپذیری از رسانه‌ها، مسئولیت خود را در قبال محیط‌زیست درک کرده و نسبت به محیط‌زیست اقدامات مسئولانه انجام می‌دهند. این فرآیند درنهایت منجر به پایبندی افراد به رفتارهای محیط‌زیستی می‌شود.

همان‌گونه که از نتایج تحقیق برآمد، مسئولیت‌پذیری بیشترین تأثیر در تبیین رفتارهای محیط‌زیستی و شدیدترین ارتباط مثبت و مستقیم با آن را داشت. بر این اساس پیشنهاد می‌شود متولیان امور فرهنگی در زمینه فرهنگ شهروندی اطلاع‌رسانی کنند و مؤلفه‌های متفاوت آن و به ویژه بحث مسئولیت‌پذیری را آموزش دهند و باعث ارتقای آن در جامعه و در بین گروه‌های اجتماعی مختلف شوند. به‌علاوه، نتایج تحقیق بیانگر ارتباط معنادار، مستقیم و مثبت استفاده از رسانه‌ها و رفتارهای محیط‌زیستی بود (البته مقدار این ارتباط در سطح بالایی نبود، اما می‌توان به آن اعتنا کرد). از این رو پیشنهاد می‌شود دست‌اندرکاران بخش محیط‌زیست، بخش‌های فرهنگی و ارتباطی نیز به نقش این رسانه مهم در زمینه فرهنگ‌سازی محیط‌زیستی توجه داشته باشند و در زمینه آموزش رفتارهای مناسب و مسئولانه در ارتباط با محیط‌زیست از کانال‌های مجازی و اجتماعی حداکثر استفاده را ببرند.

همبستگی مستقیم و معنادار بین مسئولیت‌پذیری و رفتار زیست‌محیطی است. این یافته با نتیجه پژوهش میرفردی (Mirfardi, 2016) و ادهمی و همکاران (Adhami et al., 2012) همخوانی دارد. درواقع می‌توان چنین استدلال کرد که با توجه به اینکه مسئولیت‌پذیری به عنوان یکی از ویژگی‌های یک شهروند محیط‌زیستی برشمرده می‌شود، با افزایش مسئولیت‌پذیری میزان پایبندی فرد به رفتارهای محیط‌زیستی بالاتر می‌رود. شهر اهواز به عنوان شهری با بافت صنعتی که در پرتو تحولات مدرن مربوط به صنعت نفت توسعه‌یافته، از آموزه‌های فرهنگی مدرنیته تأثیر پذیرفته و مسئولیت‌پذیری ساکنان آن در موضوعات اجتماعی در حد مطلوبی است و این مسئولیت‌پذیری بر رفتار محیط‌زیستی آنان نیز تأثیرگذار بوده است. پیش‌فرض نظری این است که اولویت‌های رسانه‌ها تا حدودی به صورت اولویت‌های جامعه درمی‌آید. درواقع هنگامی که رسانه‌ها مسئله یا موضوع خاصی را تأکید کنند، باعث می‌شود مورد تأکید انفرادی و اجتماعی مخاطبان قرار گیرد که نتایج آزمون این مطلب را تأیید کرده است. با توجه به نتایج تحقیق بین میزان استفاده از رسانه‌ها و رفتارهای محیط‌زیستی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. این یافته نشان می‌دهد که رسانه‌های جمعی مورد استفاده شهروندان چه در سطح ملی و چه در سطح محلی و استانی توجه به موضوعات محیط‌زیستی را در اولویت خود قرار داده و کاربران این رسانه‌ها نیز در پرتو آموزه‌های برگرفته از این رسانه‌ها، نسبت به مسائل محیط‌زیستی حساسیت لازم را پیدا کرده و به تنظیم رفتار زیست‌محیطی خود می‌پردازند. این یافته با نظریه برجسته‌سازی در حوزه رسانه‌ها و همچنین نتیجه پژوهش اوکلای (Oakley, 2014) همخوانی دارد. همچنین بین متغیرهای سن، جنسیت، وضعیت تأهل با رفتارهای محیط‌زیستی رابطه و تفاوت معناداری وجود ندارد. معنی‌دار *Attitudes and Environmentally Responsible Behavioral Intention: A Survey of OHV and ATV Riders in the Adirondacks* (dissertation), Retrieved from ProQuest Dissertations and Theses database.

References

- Adhami, A. & Akbarzada, E. (2010) "Cultural factors affecting the environmental review of Tehran", *Journal of Sociology*, 1(1), 8-62.
- Aghili, S., Khoshfar M. and Salehi, S. (2009) "social capital and environmental responsible behaviors in northern Iran Case Study: Gilan, Mazandaran and Golestan", *Journal of Agricultural Sciences and Natural Resources*, 16 (1), 236-250.
- Ahmadi, H. and Dehghani, R. (2015) "Ideas and thoughts (Beck, Ulrich of theorisen rick society)", *Journal of Social Development*, 10(2), 101-126.
- Arcury, T. A. (1990), Environmental Attitude and Environmental Knowledge, *Human Organization*, 49(4), 300-304.
- Barker, L.A. (2010), *Exploring the Relationship between General and Specific Environmental*
- Barry, J. (2001). *Environmental and social theory*, translated by Hassan Snoopy, Nayyereh Tavakoli, published by the Department of Environment, the first edition.
- Beck, U. (1992). *Risk Society: Towards a New Modernity*, London: Sage.
- Beck, U. & J. Van Loon (eds). (2000). *The risk society and beyond: critical issues for social theory*, London: Sage.
- Beck, U. (1998). Risk society revisited: theory, politics and research programs, in Adam, B.Y beck, U. & J. Van Loon (eds). *The risk society and beyond: critical issues for social theory*, London: Sage.
- Catton, W. R. & Dunlap, R. E. (1978). Environmental Sociology: A New Paradigm, *American Sociologist*, (13):41-49.

- Chenyang, X; Hong, D. (2010), "Gender differences in environmental behaviors in China", *Population and Environment*, 32 (1), 88-104.
- Chin, I. T. G., Lee, C. K. and chuan, G. K. (1998), "A Survey of Environmental Knowledge, Attitudes and Behavior Education in Singapore". *International Research of Geographical and Environmental Education*, 6(3),181-202.
- Eslamzadeh, V. (2003), introduction on environment sociology, publication organization Sabz Eslamee kar.
- Furman, A. and Erdur, O. (1999). Are Good Citizens Environmentalists? *Human Ecology*, 27(1), 181-188
- Goldblatt, D. (1996) *Social Theory and the Environment*, Cambridge: Polity Press.
- Hannigan, J. (2006), *Environmental Sociology*, Second edition
- Hironimus-Wendt R & Ebert Wallace L. (2009). "The Sociological imagination and social responsibility", *Teaching Sociology*. 37: 76.
- Hungerford H, Volk TL. (1990). Changing learner's behaviour through environmental education, *The Journal of Environmental Education*, 21(3), 8- 21.
- Iran Statistical Center (2011). *Iran Annual Statistical Report*, Tehran: Iran Statistical Center Publications. [In Persian].
- Lazar, Zh. (2005) *Public opinion*, translated by Morteza Kotobi, Tehran: Reed Publishing, Third Edition.
- Lin, N. (1976), *Foundations of Social Research*, New York: Mc Graw-Hill.
- Maknon, R. (1995) Sustainable development, environmental specialist magazine's first issue.
- McCombs, M. E, and D. L. Shaw.(1972), "The Agenda- Setting Function of Mass Media", *Public Opin Q*, 36 (2): 176-187.
- Mehrdad, H. (2001) Theories and concepts of mass communication, publication Faran Institute, First Edition.
- Melgar, N. Mussio, I and Rossi, M. (2013). "Environmental Concern and Behavior: Do Personal Attributes Matter?", Department de Economia Facultad de Ciencias Sociales Universidad de la republica, ISSN 07987-7484.
- Mirfardi, A. (2016), "The Study of Relationship of Socio-economic Status and Sense of Social Responsibility with Environmental Behavior (the Case Study: Noorabad Mamasani's Residents)", *Journal of Environmental Education and Sustainable Development*, 5(1),101-114.
- Mokhtari Malekabadi, R. Abdollahi, A. Sadeghi, H. (2014), "Analysis and recognizing of urban environmental behaviors (the case of study: Esfahan)", *Urban Research and Planning Quarterly (Ur Re Plan Quarterly)*, 5 (18), 1-20. [In Persian].
- Nadere, K., Amanpour, S., and Mansour Mesopotamia, F. (2011). Assess the physical development of the city of Ahvaz with an emphasis on environmental sustainability issues, the first National Conference on Geography, environmental hazards and sustainable development. [In Persian].
- Oakley, R. L. & Salam, A. F. (2014), "Examining the impact of computer-mediated social networks on individual consumerism environmental behaviors", *Computers in Human Behavior*.
- Qasemi, M. (2009). "Risky risk society and its importance to society", *Journal of Strategic Studies*, 12(1).
- Ritzer, G. (2005). *Encyclopedia of social theory*, vol. I, London: Sage publication.
- Ritzer, G. (2011) *Theory of Modern Sociology*. Translated by M. Triad, Tehran: Sociologists publications.
- Salehi, S., Kabiri, A. and Karimzadeh, s. (2016) "A Study of Gender and Environmental Attitude (Case study: Urmia)", *J.Env. Sci. Tech.*, 18 (1): 161-149.
- Salehi, S. and Imamgholi, I. (2012) "Cultural capital and environmental attitudes and behavior; Case Study: Kurdistan", *Iranian Journal of Culture and Communication Studies*, 8(28): 91-117.
- Sarookhani, B. (2004). *The Fundamental Thoughts of Communication Science*, Tehran, Khojasteh publication.
- Shakeri, M. (2005) *Mass Media and Presidential Elections*, Qom: Islamic Center of IRIB Studies.
- Shoaib, B. (2009) *Color Revolution*, Tehran, Islamic Documentation Center.
- Turner, B. S. (1994). *Orientalism, Postmodernism and globalism*, London & New York: Routledge.
- Turner, B. S. (2006). *The Cambridge Dictionary of Sociology*, Cambridge University Press.